

تفاوت تعاون و تعاونی در بخش مسکن شهری

دکتر فرشاد نوریان*

چکیده:

تعاونی‌های مسکن در برخی از کشورهای صنعتی در بهبود وضعیت مسکن موفق بوده‌اند، اما در کشورهای در حال توسعه، تعاونی‌ها نقش مهمی در بخش مسکن ایفا نمی‌کنند. «تعاونی» در ظاهر اشاره به جمیعتی دارد که با ایجاد و اداره تشکیلات مناسب و در چارچوب مقررات مشخص می‌تواند به منافع و مقاصد اقتصادی تعریف شده‌ای دست یابد. در حالی که هر عضو از آن جمیعت به تهایی نمی‌تواند به همان مقاصد برسد. از طرف دیگر، «تعاون» به ایده و اقدامی اشاره دارد که سرانجامش همکاری و احolut بین تعاون‌گرایان است. در این مقاله به این سؤال پاسخ داده می‌شود که کدام عامل در شکل‌گیری این تفاوت در کشورهای مختلف مؤثر بوده است. فرضیه مورد بررسی این است که آن دسته از تعاونی‌های مسکن موفق‌تر هستند که اصول «تعاون» را بیشتر رعایت می‌کنند.

کلید واژه:

تعاونی مسکن، اصول راچدیل، اصل تعاون، کشورهای در حال توسعه، دولت‌های مرکزی.

* استادیار گروه آموزشی شهرسازی، دانشگاه تهران.

پیداست که حجم این مقاله امکان پوشش دادن به تمامی تعاونی‌ها را خواهد داد و در اینجا تنها به نمونه‌هایی پرداخته خواهد شد.

در این مقایسه مشاهده می‌شود که بین آنچه به عنوان «تعاون» و اصول مربوط (که به آن اشاره خواهد شد) و آنچه تحت عنوان «تعاونی مسکن» در کشورهای مختلف مشاهده می‌گردد، شکافی عمیق شکل گرفته است. این شکاف را می‌توان به عنوان علت سکون و شکست تعاونی‌های عنوان «تعاون» فقط در سطح شعار می‌پردازند یا اصلاً پابند نیستند، تعاونی‌های مسکن ضعیف و محکوم به عدم‌اند. تبعات این تווخالی و بسی جان بودن تعاونی‌های مسکن در امر شهرسازی به طور عام و مسکن شهری به طور خاص، گستردۀ است زیرا با این وصف، واقع‌بینانه‌تر آن است که بگوییم به بخش تعاونی به عنوان نیرویی که بتواند به حل مشکل مسکن در شهرها امداد رساند نمی‌توان امیدوار بود، مگر آن که مکانیزم‌هایی که لازم است تاز قالب شعار خارج شود، در جای مناسب خود مستقر و بکار گرفته شوند و مسئولین مربوط و صاحب‌نظران و دانشگاهیان متخصص در امر تعاونی در ایجاد زمینه و آگاهی بخشی نسبت به آن مکانیزم‌ها فعال‌تر از پیش عمل نمایند. لازم است مجددًا اشاره شود که در این مقاله برای پرهیز از پراکنده‌گویی، از پرداختن به جزئیات نظری این گونه تبعات دوری جسته و بحث استدلال را بر تعریف مکانیزم‌های مذکور متمرکز می‌نماییم.

تعاریف متناقض:

تعاونی به عنوان نوعی تشكیل اقتصادی، در کشورهای مختلف به گونه‌های متفاوت مطرح بوده زیرا

عضو از آن جمعیت به تهایی نمی‌تواند به همان مقاصد برسد. از طرف دیگر، تعاون (cooperation) به ایده و اقدامی اشاره دارد که سرانجامش همکاری و اخوت و یکدستی بین تعاون‌گرایان است. فرض براین است که تعاونی‌ها در میان تمام ملت‌ها براساس روح تعاون تبلیغ می‌شوند. آنچه که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، توجه به این سؤال است که آیا تعاونی‌ها در نهایت واقعاً به اهداف تعاون دست می‌بابند یا خیر؟ این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که اولاً در اینجا مدعی هستیم و استدلال می‌کنیم که تعاونی و تعاون نباید از هم مجرزاً دیده شوند و دوم، آن نوع تعاونی که فاقد اصول تعاون باشد را می‌توان نوعی خودفریبی قلمداد کرد و تعاونی مسکن بدون تعاون به عنوان بخشی از اقتصاد وجود خارجی ندارد. آنچه هست، تشکیلاتی است دولتی یا خصوصی. استدلالی که دری، ارائه می‌شود نهایتاً به این نکته اشاره دارد که تعاونی مسکن در ایران نیز به رغم رشد سریع و بی‌سابقه‌اش در سطح جهان (که توانسته است بالغ بر ۴۰۰ هزار مسکن در طی ۲۰ سال گذشته تولید کند)، طبلی است توخالی و کالبدی است بی‌جان و با قالب وضع موجود به هیچ وجه به اهداف و روح تعاون که در قرآن کریم بدان اشاره شده و در قانون اساسی نیز مذکور شده (۳)، دست نمی‌یابد. در حالی که تعاونی‌ها در کشورهای صنعتی به آن اهداف بسیار نزدیک تر شده‌اند. آن روح که به تعاونی معنا می‌بخشد چیست؟ و غربی‌ها چگونه در دمین این روح در تعاونی‌های مسکن خود نسبت به جوامع جهان سوم فعال تر و موفق تر بوده‌اند؟ اگر چه منابع فارسی درباره «تعاونی‌ها» به طور اعم بسیار گسترده است (۴)، در این مقاله به بررسی منابع خارجی اکتفا می‌شود. علت آن است که در روش برگزیده شده برای شناخت تفاوت مذکور، مقایسه‌ای تطبیقی بین تعاونی‌های موجود در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد. البته ناگفته

مقدمه:

رشد سریع شهرنشینی پس از انقلاب صنعتی، دولتها را در تأمین مسکن شهرنشینان ناتوان ساخته است. امیدی نیز به بخش خصوصی که طبیعتی سودجو دارد برای تأمین مسکن اشاره کم درآمد نیست. بدین لحاظ، «تعاونی» به عنوان راهی برای تحدید مشکل مسکن در جوامع مختلف مورد توجه بوده است.^(۱) البته، همانطور که در بخش‌های بعدی مفصل بحث خواهد شد، تعاونی‌های مسکن در برخی از کشورهای صنعتی در بهبود وضعیت مسکن موفق بوده‌اند و درصد قابل توجهی از مسکن شهروندانشان توسط همین تشکیلات تأمین می‌شود. این در حالیست که در کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه، تعاونی‌ها نقش مهمی در بخش مسکن ایفا نمی‌کنند. در این مقاله به این سؤال پاسخ داده می‌شود که کدام عامل در شکل‌گیری این تفاوت بین تعاونی مسکن در کشورهای صنعتی و تعاونی مسکن در کشورهای در حال توسعه مؤثر بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است تعاونی‌های مسکن همراه با «اصول تعاون» یکجا مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب فرضیه‌ای که شکل می‌گیرد این است که رابطه‌ای مستقیم وجود دارد بین ریشه و درخت؛ آن دسته از تعاونی‌های مسکن موفق‌تر هستند که اصول تعاون را بیشتر رعایت می‌کنند.

در این مقاله از فصلی از رساله دکترای نویسنده (که در آمریکا تهیه، دفاع و چاپ گردیده)^(۲) کمک گرفته شده است ولذا با توجه به ضرورت محدود ساختن حجم مقاله، در اینجا نیازی به بحث تفصیلی درباره تفاوت در معانی ظاهری این دو واژه نیست. به طور اختصار، تعاونی (cooperative) در ظاهر اشاره به جمیعتی دارد که با ایجاد و اداره تشکیلات مناسب و در چارچوب مقررات و ضوابط مشخص می‌تواند به منافع و مقاصد اقتصادی تعریف شده‌ای دست یابد. در حالی که هر

اقدامات پیشین و برنامه‌ریزی آتی. امروز، آن اصول به ترتیب تحت عنوانی اختیار و دواطلبی، دموکراسی، خودکفایی، انصاف و بیطریقی، همبستگی و تقابل، جامعیت، و تکامل مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، آنچه که فاصله بین «تعاون» و «تعاوونی» را کاهش می‌دهد، تمسک به همین اصول است.

برای مثال، اصل دموکراسی از قدرت یافتن چند نفر به زیان سایرین جلوگیری می‌کند زیرا عناصر عمده در این اصل شامل (الف) مشارکت واقعی اعضاد همه امور منجمله برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و (ب) قبول مسئولیت از طرف کلیه اعضا می‌شود.

اصل اختیار و دواطلبی (یعنی عضویت یا استفاده از عضو بدون آن که تحت فشار افراد یا دولتها باشد) نیز باعث می‌شود تعاوونی به نهادی که مأمور اجرای سیاست‌های دولت یا اشخاص ذی نفوذ است، تبدیل نشود. به علاوه آن که علاقه اعضا به مشارکت در امور «تعاوونی» بدون ترس از تنبیه افزایش می‌باشد و اجازه نمی‌دهد تعاوونی اختیار را با اجبار و مالکیت فردی را با مالکیت جمعی جایگزین کند.

اصل انصاف و بیطریقی که اشاره به موضوع سودسرمایه و توزیع آن به اعضادر اصل راچدیل (اصل ۳ و ۴) دارد، به مبلغی که احیاناً برای تعاوونی باقی می‌ماند به عنوان «پس انداز» می‌نگردد و نه «درآم». در نتیجه، این اصل در میان اصول راچدیل تضمین می‌کند که سوداگری از «تعاوونی» فاصله گیرد و از انباشت سرمایه توسط چند نفر و به زیان سایر اعضاء جلوگیری شود.

راه میانه

«راه میانه» اشاره دارد به این که استمساک به تشكل‌های «تعاوونی» می‌تواند مدل سرمایه‌داری را با کنار زدن فعالیت‌های ناعادلانه، بی‌فایده کند و در عین حال از ذبح کردن انگیزه‌های فردی به نفع جماعت‌گرایی جلوگیری نماید. البته

نتوانست حمایت قبل توجهی را در سطح مردم به خود جلب کند اگرچه متفکرینی مانند سن سیمون و فوریه نیز در آن ایام (اوایل قرن ۱۹) براساس نظریات «جوامع خودکفا» مطالب مشابه‌ای ابراز می‌داشتند. (در باره ایده‌های سن سیمون پیرامون جوامع خودکفا به کتاب Watkins که به فارسی نیز ترجمه شده است، رجوع شود).

براین اساس، بحث «تعاون» تا دهه ۱۸۴۰ همچنان در همان سطح یعنی بحث و تبادل نظر باقی ماند. اما رشد شتابان شهرنشینی بالاخص در انگلستان که به دنبال تحولات در صنعت و تجارت در آن زمان رخ داد، مشکل مسکن را تشدید کرد. ویلیام کینگ با چاپ نشریه‌ای به نام «تعاونگران» در صدد برآمد از بحث و تبادل نظر پیرامون «تعاون» چهره‌ای علمی تر سازد و به تشكل «تعاونی» نزدیک ترگرداند. کینگ، از افکار و نظریات چارلز کینگزی، جان استوارت میل و ریچارد کبden نیز برای تبیین نقش این تشكل بهره‌گرفت.

بدین ترتیب، غرب در سال ۱۸۴۴ شاهد نخستین تلاش موفق برای شکل دادن به یک «تعاونی» شد هنگامی که کارگران کارخانه پنبه‌رسی در راچدیل انگلستان (که با درآمدهای کم رو برو بودند) به «تعاونی» برای کاهش هزینه زندگی رو آوردند. آنچه از تجربه راچدیل برای این مقاله حائز اهمیت می‌باشد، هفت اصلی است که بعدها به عنوان اصول نظری و راهنمای «تعاون» در «تعاونی‌ها» شناخته شد.

۱. عضویت آزاد
۲. هر نفر، یک رأی (بدون توجه به تعداد سهام آنها)
۳. سود محدود سرمایه (ممنویت بورس بازی)
۴. توزیع سود به تناسب فعالیت اعضاء
۵. فروش نقدی به قیمت روز
۶. آموزش اعضاء و ارائه گزارش از فعالیت‌های تعاوونی به اعضاء بطور مستمر
۷. جلسات مکرر برای ارزیابی

محتوای آن شکل‌های متفاوت داشته است. برای مثال، در دایره محافظه‌کاران افراطی در دنیای سرمایه‌داری، انواع شرکت‌های خصوصی و حتی مجتمع‌های مسکونی که به منظور کسب سود معامله می‌شوند نیز تعاوونی تلقی می‌گردند.^(۵) در مقابل، نظریه‌پردازان چپ‌گرا قرار دارند که سازمان‌های دولتی را نیز نوعی تشكل تعاوونی می‌انگارند.^(۶) در هر صورت، سوال‌های تعاونی (ونه تعاوونی) به عنوان بخشی از اقتصاد بسیاری از کشورها مطرح است.

مطالعاتی که در طی یک قرن اخیر در غرب پیرامون انواع تعاوونی‌ها صورت گرفته، برخی تشریحی و برخی تحلیلی بوده‌اند. البته مطالعات تحلیلی غرب در چارچوب علم اقتصاد قابل توجه‌اند که می‌توان از موضوعات زیر نام برد: بررسی ساختار بهینه مالکیت درون تعاوونی، هزینه‌های مالی آنها، اثرات مالی توسعه و چند منظوره شدن آنها، نقش آنها به عنوان شرکت‌های کوچک در دل اقتصاد مبتنی بر شرکت‌های بزرگ، نقش اقتصادی آنها در اقتصاد سرمایه‌داری، و خوی فرست طلبی اقتصادی مردم به عنوان انگیزه برای شرکت در تعاوونی‌ها. در قالب مطالعات جامعه‌شناسی نیز مباحثی مانند الگو و فرآیند شکل‌گیری تعاوونی‌ها در کشورهای مختلف، ابعاد تعاوونی‌های بدوي و قومی و اثرات آنها در کشورهای مختلف و مطرح شده‌اند.

آنچه در این گونه مطالعات مشترک بوده، رهایی فرد از سلطه بخش دولتی و خصوصی از طریق ایجاد «دموکراسی تعاوونی» است. زیربنای این گونه تفکر همان نظرات ایدئولوژیک و اتوپیایی قرون هجدهم و نوزدهم در اروپاست. در آن دوران است که تأکید بر «تعاون» و نه «تعاوونی» به عنوان یک «حرکت اجتماعی» مطرح می‌شود. رایبرت اوون برای مثال، در ۱۸۳۵ میلادی «تعاون» را برای کاهش هرج و مرج حاکم بر نظام سرمایه‌داری پیشنهاد می‌کند.^(۷) البته آن پیشنهاد به علت آن که تعریف روشنی نداشت،

خانه‌سازی مرتبط هستند، متمایز کرد. تعاونی مسکن (به علت طولانی بودن عمر واحدهای مسکونی) نیاز به برنامه‌ریزی و تأمین مالی بلند مدت دارد. به علاوه، در این تعاونی، تولیدکننده و مصرفکننده یکی است و اعضای آن هم با یکدیگر کار می‌کنند و هم در کنار هم زندگی می‌کنند در جهان صنعتی غرب، تعاونی‌های مسکن تاکنون سیار مقدار بوده‌اند. برای مثال، در هلند و سوئیس حدود ۴۰ درصد از تولید کل واحدهای مسکونی را تعاونی‌ها بر عهده دارند و این آمار بسیار چشمگیر است. این نوع اقتدار پس از جنگ جهانی اول آغاز به شکل گرفتن کرد اما پس از جنگ جهانی دوم بود که دولتهای اروپایی تمامی نیروها را برای یافتن مؤثرترین راه در تولید مسکن بکار گرفتند. این بسیج در «تعاونی‌ها» براساس اصول «تعاون» مستجلی شد.^(۱۲) امروزه تعاونی‌های مسکن در آن کشورها کارنامه درخشانی از خود به جای گذارده‌اند.

موقیع تعاونی‌های مسکن مرهون حمایت دولتها فقط در حد حمایت قانونی و فراهم کردن انگیزه بوده و نه بیشتر و نه کمتر. مابقی امور منجمله انباشتن تجربیات، نظارت بر مدیریت مالی، ساخت و نگهداری و تعمیرات واحدها توسط سازمان‌هایی غیردولتی صورت می‌گیرد. با این تقسیم کار، نه تنها واحدهای ارزان ولی با کیفیت و طراحی مناسب شکل گرفته بلکه مدیریت و کنترل محیط توسط خود اعضاء (مردم) گسترش یافته است.

در تعاونی‌های مسکن اروپا، اصول «تعاون» که در ۷ اصل راجدیل عنوان شد، به دقت دنبال می‌شود. برای مثال، با اشاره به اصل سوم و به منظور جلوگیری از بورس‌بازی و سوداگری اعضا می‌توانند واحدی را که در اختیار دارند به ارث بگذارند ولی اجازه فروش آن را بدون موافقت سایر اعضان ندارند. عضویت در آن تعاونی‌ها نیز مستلزم پرداخت حق عضویت ناچیز و درصدی ناچیزتر (مثلاً ۶ درصد) از هزینه کل واحد بوده است.

(۱۹۲۴ میلادی) تحمل و حتی حمایت کند. البته در دهه ۱۹۴۰، این نوع تعاونی کاملاً از صحنه خارج شد و تنها پس از جنگ جهانی دوم توانست حرکتی دوباره به خود بدهد.

در اواسط دهه ۱۹۸۰، گریچه با اعلام پرستریکا (بازسازی اقتصادی) و تصویب قانون تعاونی، آن تشکیلات را بطور مقدرتی به صحنه بازگرداند. در قانون مذکور، تعاونی‌های مسکن از محدودیت‌های گذشته رهایی یافتند و به عنوان ابزاری برای سوق دادن جامعه به سوی اقتصاد مبتنی بر بازار درآمدند.

تعاونی مردمی

یا «تعاون» در تعاونی

البته اغلب تعاونی‌هایی که در غرب شکل گرفته‌اند، توانسته‌اند از افراط‌های ذکر شده فاصله گیرند. یکی از نمونه‌هایی که شهرت جهانی یافته است، تعاونی مندرائون^(۱۰) در منطقه باسک اسپانیاست. این تعاونی که متشکل از صد زیرمجموعه می‌شود، پس از جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۹) با تلاش یک کشیش جوان و براساس تعلیمات مسیحیت و ارزش‌ها و اصول «تعاون» شکل گرفت. امروزه، فرزند یک عضو پس از تحصیل در دبستان، دبیرستان و حتی دانشگاه تعاونی می‌تواند در تعاونی مسکن آن زندگی کند، از تعاونی مصرف آن خرید کند و بالاخره در سن سالخورده‌گی، از تعاونی رفاه مواجب بازنشستگی بگیرد.^(۱۱)

این یک تعاونی کامل‌مردمی است که با بکارگیری اصول «تعاون» و با انعکاس فرهنگ و اقتصاد منطقه توانسته آرزوهای مردم را شناسایی کند و به عنوان یکی از نمونه‌های موفق قرن حاضر تجلی کند.

تعاونی مسکن

در کشورهای صنعتی

در تمامی کشورها، تعاونی مسکن را می‌توان از سایر تعاونی‌ها براساس پیچیدگی هزینه و مشکلاتی که با فرآیند

تاکنون هر دو جناح چپ و راست در جهان، «راه میانه» را راه خود می‌انگاشته‌اند و اما آنچاکه اقتضا می‌کرده است، آن را طرد می‌کرده‌اند.

از یک طرف، چپ‌گرایان در غرب نمونه‌های موفق «تعاونی»‌ها را به منظور نمایش نتایج مثبت مالکیت جمعی قلمداد می‌کنند. همان جناح گاهی «تعاونی» را به عنوان وسیله‌ای در دست سرمایه‌داران برای استثمار ضعف‌های موجود در بازار آزاد و بی‌رقم کردن جنبش‌های اقلایی محسوب می‌کنند. در مقابل، محافظه‌کاران در غرب نیز مدعی بوده و هستند که تعاونی‌ها بخشی از سرمایه‌داری قرن بیستم را تشكیل می‌دهند که خلاقیت فردی در آنها همراه با آزادی سیاسی (که خود تبلور یافته آزادی اقتصادیست) تشویق و تقویت می‌شود و برخی از همان محافظه‌کاران معتقدند که «تعاونی» محدودیت‌هایی را در سودطلبی ایجاد می‌کند که این دلالتی است در سیستم بازار آزاد و نوعی توطئه است از جانب «کمونیست‌ها» برای تحدید رقابت و سرمایه‌داری.^(۸)

شکل‌گیری تعاونی‌ها در جوامع جمع‌گرا

پس از جرقه تعاونی در راچدیل و گسترش آن در اروپا، در شوروی سابق نیز از این تشکیلات برای جذب مشارکت مردم استفاده شد. البته مارکس نسبت به تعاونی از نوع راچدیل که قادر بود در کنار سرمایه‌داری نیز هویت خود را حفظ کند، مظنون بود و بدین لحاظ در کشورهایی که از مکتب او پیروی می‌کنند، تعاونی‌های مسکن از اصول «اختیار و داوطلبی» برخوردار نیستند. «تعاونی‌های مسکن» در آن جوامع نهادیست که توسط دولت شکل می‌گیرد، کنترل می‌شود و برنامه‌اش تدوین و به اعضاء ابلاغ می‌گردد.^(۹) البته لnin که با بحران مسکن مواجه شده بود، برای مدتی توانست تعاونی‌های مسکن را پس از تصویب در سیزدهمین کنگره حزب کمونیست

تعاونی‌های داوطلبانه و خودکفا شکل گیرند. اما استقبال مردم از آنها بسیار محدود بود زیرا اصل تفکر از «بالا» تحمیل شده بود به جای آن که تقاضا از درون جامعه شکل گرفته باشد. پس از ۱۹۷۳^(۱۵)، دولت مجبور شد تا از نیروی نظامی خود استفاده کند تا بلکه بدینوسیله مردم وادار به عضویت در آن تعاونی‌ها شوند. این عمل البته با واکنش منفی و شدیدتر مردم روبرو شد به ترتیبی که تعاونی‌های نایرره (به رغم ایده‌های استقلال طلبانه، وی) کاملاً از هم پاشید. مطالعات گویی آن است که تعاونی‌های تانزانیا نه سطح زندگی مردم را بهبود بخشیدند و نه از وابستگی به کمک دولت‌های خارجی کاستند.

مشاهدات و مقایسه

نتیجه‌ای که از این مطالعه کسب می‌شود این است که تعاونی مسکن به عنوان اینزاری برای تأمین مسکن قشر کم درآمد می‌تواند بسیار کارساز و موفق باشد، اما لازمه این موفقیت، ایجاد شرایطی است که از طریق پایبندی به اصول تعاون فراهم شود. در ایران، نیز، چنانچه بخواهیم تعاونی‌های مسکن موفق داشته باشیم که از نظر کیفی بتوانند نیازهای قشر کم درآمد جامعه را تأمین کنند و صرفاً به تعداد چند صد هزار واحد مسکونی که فقط نام تعاونی را به دنبال می‌کشند قانع نباشیم، لازم است که تجدید نظر جدی در تعریف این‌گونه تعاونی‌ها و ارزیابی نسبت به پایبندی آنان به اصول تعاون صورت گیرد.

آنچه که در بالا آمد، سنت مطالعات انجام شده پیرامون تعاونی‌های مسکن در کشورهای صنعتی و جهان سوم بطور جداگانه بود. نتیجه مشاهدات آن است که در غرب صنعتی، تعاونی‌ها عموماً با نلاش مردم شکل گرفته‌اند و همگام با صنعت‌گرایی از فرصت‌هایی که از طرف دولت بطور ضمنی فراهم می‌شده است استفاده کرده و ریشه دوانیده‌اند. اکنون که غرب وارد دوران فراصنعتی شده است نیز

در این کشورها، تعاونی‌ها به صورت خودجوش و به عنوان انعکاسی از شرایط اجتماعی تجلی نمی‌کنند بلکه همواره از بالا به شهرهای تحمیل می‌شوند. این‌گونه تحمیل نیز با هدف تحکیم موقعیت افراد ذینفوذ محلی شکل می‌گیرد و نه برای منتفع ساختن عناصر نیازمند شهرها.^(۱۶) در این جوامع، اعضای تعاونی‌ها فرستی برای یافتن راههای مشارکت و دخالت در تصمیم‌گیری ندارند و تصمیم‌ها در دست گروهی از افراد ذینفوذ باقی می‌مانند. این خود زمینه گسترش فساد را وسیع تر می‌سازد.^(۱۷)

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه یا عقب مانده نیز تعاونی‌ها توسط قدرت‌های استعمارگر وارد شده و با رسوم محلی و روابط اجتماعی يومی هماهنگ نبوده است.^(۱۸) در بسیاری موارد نیز تلاش دولت برای تحمیل تعاونی‌ها با مقاومت مردم روبرو شده زیرا آن تشکیلات با هدف ایجاد اختناق سیستماتیک شکل می‌گرفته است.

برخی از نظامهای حاکم بر کشورهای جهان سوم از تعاونی‌های دوطلبانه و خودجوش هراس داشته‌اند زیرا این‌گونه تفکر با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری تمرکز یافته به ایجاد تعاونی کرد، هدفی بجز مشارکت دادن مردم در امر توسعه کشور متبوع خویش نداشت. اما همراه با افزایش چنین مشارکتی، وی بازداشت شد و تعاونی‌ها بالاجبار به سازمان‌های دولتی تبدیل شدند.

تعاونی اوجامای تانزانیا نیز نمونه‌ای از درهم شکستن آن تشکیلات به نوعی دیگر در جهان سوم است. در ۱۹۶۲، پس از اعلام استقلال تانزانیا، ژولیوس نایرره با حمایت از ایجاد هوتیت اقتصادی - اجتماعی آفریقا تلاش سرخستی را آغاز کرد تا بلکه رسوم پیش از استعمار آفریقا را در زمینه تولید به تانزانیا بازگرداند. یکی از روش‌هایی که وی بکار گرفت، ایجاد جوامع کوچک اوجاما بود.^(۱۹) قرار بود این (که قبل از این اشاره شد) براساس

تعاونی مابقی ۹۴ درصد را به عنوان وام دریافت می‌دارد. این نیز غیرمستقیم اشاره دارد به اصل سوم و چهارم از اصول راچدیل، زیرا برای جلوگیری از سوداگری، عضوی که تصمیم به خروج از تعاونی می‌گیرد، فقط می‌تواند همان ۶ درصد اولیه را بازپس بگیرد و نه ازش افزوده را. در ایالات متحده نیز در دوران هایی که درآمد خانوارها از هزینه مسکن عقب می‌افتد، تعاونی‌ها جلوه بیشتری می‌یابند، اما در هر حال از اصول راچدیل پیروی می‌کنند. در بسیاری موارد، به علت ضعف‌هایی که در مسکن اجتماعی (دولتی)^(۲۰) نهفته است، دولت‌های محلی سعی کرده‌اند «تعاونی‌ها» را در مقابل مسکن مذکور تقویت کنند. برای مثال، در ۱۹۶۱ در نیویورک لایحه‌ای تصویب شد که امکان تبدیل مسکن اجتماعی به تعاونی را فراهم ساخت.

وضعیت در کشورهای جهان سوم

در دهه ۱۹۷۰، نقش نهادهای محلی و مشارکت در توسعه در جهان سوم مورد توجه خاص قرار گرفت. از مهمترین مطالعات در این زمینه می‌توان از بررسی پنج تعاونی موفق در جهان سوم توسط دیوید کرتن نام برد.^(۲۱) نتیجه‌ای که وی از مطالعه مذکور می‌گیرد آن است که موقوفیت‌های تعاونی‌ها و نهادهای محلی در گروه تشخیص دقیق و هماهنگی میان نیازهای افراد ذینفع و توانایی تشکیلاتی است، یعنی پایبندی به اصول «تعاون». متأسفانه در جهان سوم، تعاونی‌ها اغلب با شکست روبرو بوده‌اند و تعاونی‌های موفق در زمرة استشنا قرار می‌گیرند. دلیل عدمه برای این فقدان آن است که تعاونی‌ها در جهان سوم از مصنوعات دولت هستند و تلاش داوطلبانه افراد محلی جایگاهی در این قضیه ندارد و بنابراین، اصول «تعاون» را یک به یک کنار می‌گذارند تا آنچاکه شکاف بین دو مقوله «تعاون» و «تعاونی» عمیق می‌شود و امید به نجات «تعاونی» را محو می‌کند.^(۲۲)

پی‌نوشت‌ها:

۱. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز «بخش تعاوون»، جایگاه تعریف شده‌ای در اقتصاد کشور دارد. هر از جندگاهی نیز مسنوان در رده‌های گوناگون «تعاوون» را در چارچوب بحث الهی «تعاوون» به عنوان راه حلی برای رویارویی با مشکلات کشور منجمله مضلع مسکن مطرخ یا تعریف مجدد می‌کنند. این مباحث مشروعیت خود را از قرآن کریم در جایی که به موضوع تعاوون اشاره دارد (منجمله آیه ۳ سوره مبارکه بقره و آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران) کسب می‌کنند. اما پیرو آنچه که در این مقاله آمده است، اغلب «تعاوونی‌ها» در ایران نیز با بحث «تعاوون» بیگانه‌اند و فقط جنبه‌ای صوری برای فعالیت‌های سودجویانه دارند.

۲. موضوع مورد بحث رساله فراتر است از مبحث این مقاله، اما به عنوان بخشی از رساله، تعاوونی مسکن در کشورهای مختلف نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن مشاهدات در مقاله حاضر ارائه می‌شود. برای دسترسی به رساله، رجوع شود به:

Nourian, Farshad. Regional Economic Development, Housing Needs, and Their Impacts on Housing Cooperatives. Ph.D. Dissertation, Florida State University, 1993.

۳. چنانچه از دیدگاه صرفاً کمی به ساخت و ساز تعاوونی‌های مسکن بنگریم، تولید این تعداد واحد مسکونی توسط این تعاوونی‌ها بسیار چشمگیر است. اما باید به این نکته نیز توجه نمود که اولاً این تعداد واحد مسکونی فقط حدود دو درصد از کل واحدهای ساخته شده توسط بخش خصوصی را دربر می‌گیرد. بعلاوه آن که اغلب واحدهای ساخته شده توسط تعاوونی‌های مسکن نیز جهت خرید و فروش و به منظور سودجویی برپا شده‌اند و موضوع تامین اصل تعاؤن در آنها به هیچ وجه در اولویت نبوده است.

۴. منابع فارسی در مورد تعاوونی‌ها پیش و پس از انقلاب اسلامی فراوان است. سازمان مرکزی تعاوونی کشور در دوران پیش از انقلاب، پیش از صد کتاب در این باره منتشر ساخته و پس از انقلاب نیز ده‌ها کتاب توسط وزارت تعاون درباره تعاوونی‌های ایران و جهان به جا رسانیده است. به علاوه، انساع تحقیقات و پایان‌نامه‌ها در دانشگاه‌های ایران نیز تهیه شده که در کتابخانه‌ها موجود است. در این مقاله با توجه به روش شناختی بکار گرفته شده، نیازی به بررسی تفصیلی این منابع نبوده است. اما در هر حال، گستردگی منابع در این زمینه می‌تواند حاکی از غنی بودن نظرات و نگرانی صاحب‌نظران ایرانی نسبت به آینده تعاوونی‌ها باشد.

نقش تعیین‌کننده دارد. پایبندی به آن اصول نخستین اقدام برای ایجاد تعاوونی‌های مسکن موفق است که در آن صورت می‌توان به رشد و استحکام این بخش سوم در اقتصاد کشور و حل مشکل مسکن خوش‌بینانه‌تر نظر افکند.

تعاونی‌های مسکن اصول اولیه خود را که در قرن گذشته در راجدیل شکل گرفت فراموش نکرده‌اند بلکه حتی زمینه را برای افزایش آگاهی مردم نسبت به اصول «تعاون» و تجلی آن در «تعاونی» وسیع‌تر ساخته‌اند. این مطلب در تلاش‌هایی که اتحادیه بین‌المللی تعاؤن (ICA)^(۲۱) به عمل آورده به چشم می‌خورد. اصول تعاؤن در گرددھمايى هاي اين اتحاديه، بالاخص در سال‌های ۱۹۳۷، ۱۹۵۵، ۱۹۶۶ و ۱۹۹۵ ميلادي، به انهاء مختلف مورد تصويب و تأكيد مجدد قرار گرفته‌اند. در آخرین مصوب سال ۱۹۹۵ در منچستر نیز اصل خود مختاری و استقلال تعاؤنی هماهنگ و مطابق با اصول راجدیل مورد تأکید قرار گرفت.

نتایج همچنین نشان داد که در جهان سوم، تعاوونی‌های مسکن یا توسط عده‌ای شکل گرفته‌اند تا با معامله واحدهای آن به سودی دست یابند یا از بالا تحملی شده‌اند و در این اقدام آنچه که نادیده انگاشته شده اصول «تعاون» بوده است. نهادهایی که نام «تعاونی» را به یدک می‌کشند همیشه «کنترل شده» باقی مانده‌اند و تحولات در آنها فقط براساس ایده‌ها و منافع شخصی افرادی محدود صورت گرفته است. گفته شده است که خودجوش بودن یا عدم آن منعکس کننده فرهنگ مردم یک جامعه بوده و تابعی است از پدیده «توسعه جامعه» در مقابل «توسعه در جامعه». هنگامی که توسعه در جامعه توسط دولتها بر نامه‌ریزی شده (حتی اگر با اهدافی مطهر این کار صورت گیرد) بدون دخالت دادن مردم در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، توسعه جامعه صورت نمی‌گیرد بلکه «بهبودها» (اگر بهبودهایی هم مشاهده شود) موقتی بوده، وابستگی مردم را به مرکز افزایش داده و توانایی جامعه را برای اتکا به خود تضعیف می‌کند.

در نتیجه این مقایسه می‌توان دریافت که «اصول تعاؤن» در تمیز دادن بین تشکیلاتی که تنها نام «تعاونی مسکن» را به دنبال می‌کشند و «تعاونی»‌های موفق،

۱۳. مسکن اجتماعی (یا مسکن دولتی) Public Housing حل مشکل مسکن قشر کم درآمد در دهه ۴۰ میلادی مطرح شد با مشکلات عدیدهای رویرو بوده و بعضًا مانند ساختمان‌های Pruitt-Igoe در شیکاگو از طرف خود دولت با خاک یکسان شدند تا بلکه آثار اسفبار آنها را از بین ببرند. مدیریت فاسد، کیفیت پایین زندگی، فقدان حس تعاقب به محله و در نتیجه از میان رفتن امنیتی بطوط کل و ... از ویژگی‌های این نوع مسکن بوده است.

۱۴. کرتون با پرداختن به ویژگی‌های آن پنج تعاملی موفق در جهان سوم، مقالای تولید می‌کند که در زمرة مقالات کلاسیک درآمده و مکرراً در منابع دیگر از آن یاد می‌شود. متأسفانه در منابع فارسی، استفاده از این گونه مقالات اصلی کمتر دیده شده است.

Korten, D.C., «Community Organization and Rural Development: A Learning Process Approach». *Public Administration Review*. (1980): 480-511.

۱۵. در زمینه تحولاتی که می‌تواند توسط مشارکت مردم شکل گیرد ولی دولتها از سر نابخردی از آن بهره‌برداری نمی‌کنند، می‌توان به منبع زیر رجوع کرد:

Nash, K., Dandler, J. and N.S. Hopkins. *Popular Participation in Social Change*. The Hague: Mouton Publishers, 1976.

۱۶. نقش افراد ذینفعه محلی در شکل دادن و هدایت تعاملی‌ها به نفع خود یا به نفع سایرین در مقاله کرتون (صفحه ۴۸۰) نیز آمده است.

۱۷. این گونه تعاملی‌ها که برای پیشبرد اهداف عدای از خواص شکل می‌گیرند، نتیجه معرفی ناشیانه تشکیلات مدرن در جوامع سنتی هستند.

۱۸. برای آشنایی بیشتر با وضعیت تعاملی‌های اوگاندا، غنا و ... که مدتی در چنگ استعمارگران بوده‌اند، رجوع شود به:

Dore, R.F. «Modern Cooperative in traditional Communities», in Peter Worsley, ed. *Two Blades of Grass*. Manchester: University of Manchester Press, 1971.

19. Mamadou Dia

20. Ujama

21. International Cooperative Alliance.

۱۵. رجوع شود به مباحثی که می‌لر چهار دهه پیش در رابطه با نگرش سرمایه‌داری به تعاملی‌ها عنوان داشته و اکنون نیز مورد توجه است: Miller, R.W. *A Conservative Looks at Cooperatives*. Ohio: Ohio University press, 1964.

۱۶. در این زمینه، دو منبع معتبر معرفی می‌شوند: Jones, A and W. Moskoff. *Ko-ops, The Rebirth of Entrepreneurship in The Soviet Union*. Bloomington: Indiana University Press, 1991.

Uphoff, M. and M.J. Esmam. *Local Institutional Development: An Analytical Source Book with Cases*. Connecticut: Kumarian press, 1986.

۱۷. تلاش‌های رابرت اوون و Robert Owen و ایده‌های اتوپیائی وی در منابع متعدد فارسی و غیر آن و در رشتۀ‌های علمی گوناگون از جامعه‌شناسی تا شهرسازی مورد بحث و نقده قرار گرفته است. از نخستین منابعی که نظرات وی را در چارچوب «جنبشهای تعاون» مطرح ساخت می‌توان به کتاب زیر اشاره کرد:

Kress, A.J. *Introduction to the Cooperative Movement*. New York: Harper & Brothers, 1941.

همچنین برای تاریخچه‌ای پیرامون شخصیت‌های مؤثر در ترویج «تعامل» در غرب رجوع شود به:

Watkins, W.P. *The International Cooperative Alliance: 1895-1970*. London: International Cooperative Alliance, 1970.

۱۸. این گونه تناقض تعاملی‌ها اگر چه می‌تواند نوعی مراجح سیاسی نیز تلقی شود اما بیشتر به مظلومیت این بخش که در بین بخش خصوصی و دولتی فضای مانور ندارد، اشاره دارد. رجوع شود به:

Collins R. and M. Makowsky. *The Discovery of Society*. New York: Random House, 1989.

۱۹. Melnyk, George. *The Search for Community, from Utopia to a Cooperative Society*. Montreal: Black Rose Books, 1985.

۲۰. Monderagon

۲۱. رجوع شود به Melnyk

۲۲. در مورد آمارهایی که حاکی است از جشمگیر بودن فعالیت تعاملی‌های مسکن در حل مشکل مردم پس از ویرانی‌های جنگ جهانی دوم در کشورهایی مانند هلند و سوئد، رجوع شود به: Greve, K. *Voluntary Housing in Scandinavia*. London: University of Birmingham, 1971.